

Research Article

Investigating the jurisprudential foundations of the international defense of the Muslims of the world with the approach of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran

Satar Jadri^۱, Hassan Heydari^۲, Ferkhunde Karnasi Dezfuli^۳

Received: ۲۰۲۴/۰۸/۲۵

Accepted: ۲۰۲۴/۰۹/۱۷

Abstract

According to the teachings of Islam and the verses of the Quran, defending against the encroachment and aggression of the enemy from the oppression of oppressors and oppressors is a universal duty and it is obligatory for all Muslims to defend themselves with all possible means, and everyone is responsible in this field as much as possible. is Therefore, from the point of view of Islamic jurisprudence and law, which is rooted in the Qur'an, the Seerah, and the Sunnah of the Messenger of God (PBUH), maintaining the superiority and supremacy of Muslims against infidels and non-Muslims is considered a basic principle and goal. The most important goals of the article are: explaining the most important The jurisprudential foundations of cross-border defense of the Muslims of the world in the approach of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, the general review of the defense doctrine of the Islamic Republic of Iran, the review of defense doctrines based on Islamic jurisprudence, the review of the defense and military views of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader. The main question of the article is the preceding phrase. What are the most important jurisprudential foundations of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the foreign policy approach of the Islamic Republic of Iran? The life and honor of Muslims in the region and the world is rooted in Islamic jurisprudence and Shiite religion influenced by the views of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader. The findings of the article show that the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in defense of Islam and Muslims is based on jurisprudence and The thoughts of Imam Khomeini and Hazrat Ayatollah Khamenei are firm and in defense policy, its most important indicators are: support for aligned groups such as Hezbollah and Hamas, deterrence strategy, populism, self-sufficiency, missile power, power and cyber defense. The method used in this article is descriptive and analytical.

Keywords: *Overseas defense, world Muslims, jurisprudential foundations.*

^۱ - PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (corresponding author) hassan۲۰۲۴@vatanmail.ir

^۳ - Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.



دوفصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی
سال ۱۷ • شماره ۱ • بهار و تابستان ۱۴۰۳ • شماره پیاپی ۳۳

مقاله پژوهشی

بررسی مبانی فقهی دفاع برون مرزی از مسلمانان جهان با رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ستار جادری^۴، حسن حیدری^۵، فرخنده کرناسی دزفولی^۶

چکیده

براساس آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن، دفاع در مقابل تجاوز و تهاجم دشمن از ظلم و ستم ظالمین و ستمگران، یک وظیفه همگانی می‌باشد و بر همه مسلمین واجب است که به‌بهروسیله‌ممکن به‌دفاع برخاسته و هر کس به اندازه توان و به قدر امکان، در این زمینه مسئول است. لذا از منظر فقه و حقوق اسلامی که ریشه در قرآن و سنت رسول اهلل (ص) دارد، حفظ اعتال و برتری مسلمانان در تقابل با کفار و غیرمسلمانان یک اصل و هدف اساسی به شمار می‌رود. مهم‌ترین اهداف مقاله عبارتند از: تبیین مهم‌ترین مبانی فقه‌دفاع برون مرزی از مسلمانان جهان در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بررسی کلیات دکتترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران، بررسی آموزه‌های دفاعی بر اساس فقه اسلامی، بررسی دیدگاه‌های دفاعی و نظامی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. پرسش اصلی مقاله پیش رو عبارت است از اینکه، مهم‌ترین مبانی فقهی دفاع برون مرزی از مسلمانان جهان در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه مطرح شده نشان می‌دهد: مهم‌ترین مبانی فقهی دفاع برون مرزی از مسلمانان جهان در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قاعده نفی سبیل و وجوب دفاع از جان و ناموس مسلمانان منطقه و جهان ریشه در فقه اسلام و مذهب شیعی متأثر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری دارد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از اسلام و مسلمین مبتنی بر قواعد فقهی و اندیشه‌های امام خمینی و حضرت آیت اهلل خامنه‌ای استوار و در سیاست دفاعی مهم‌ترین شاخص‌های آن عبارت است از: حمایت از گروه‌های همسو همانند حزب اهلل و حماس، راهبرد بازدارندگی، مردم داری، خودکفایی، توان موشکی، قدرت و دفاع سایبری. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: دفاع برون مرزی، مسلمانان جهان، مبانی فقهی.

^۴ - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۵ - استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) hassan2024@vatanmail.ir

^۶ - استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

«جهاد» جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی و از فروع دین است که با هدف دفاع از مسلمانان و نیز مبارزه با دشمنان اسلام برای مقابله با هجوم آنان یا گسترش دعوت اسلامی انجام می‌شود. فقها در کتاب‌هایشان جهاد را به جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم کرده‌اند، این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی متقدم صریحاً ذکر نشده و آنان معمولاً احکام جهاد ابتدایی را به گونه‌ای مبسوط و احکام جهاد دفاعی را به طور ضمنی بیان کرده‌اند. جهاد ابتدایی به معنای جنگ با مشرکان و کفار برای دعوت آنان به اسلام و توحید و برقراری عدالت است. در این نوع از جهاد، که مسلمانان آغازگر نبرد هستند، هدف، از بین بردن سیطره کفر و فراهم آوردن امکان گسترش دین الهی است. جهاد دفاعی به معنای جنگ برای دفاع از مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی است.

بدون تردید جهاد ابتدایی و مبارزه با کفار برای دعوت آنان به اسلام در زمان حضور امام (ع) واجب است و در زمان غیبت به نظر فقها، اعم از قدما و متأخرین، بدون تردید واجب نیست تا آنجا که بسیاری از متأخرین و حتی آنان که رساله مستقلی درباره ولایت فقیه دارند و از اختیارات او به صورت مفصل بحث کرده‌اند متعرض ولایت بر جهاد نشده و گویا وضوح آن به حدی است که نیاز به بحث ندارد. صاحب جواهر تنها فقیه از متأخرین است که در کتاب «جهاد» ولایت فقیه را بر جهاد با نبود اجماع برخلاف آن و انتخاب عموم نیابت می‌پذیرد اما در کتاب «أمر به معروف» که متأخر از کتاب «جهاد» است تردید را کنار گذاشته و همسو با دیگر فقها حضور امام معصوم (ع) را لازم می‌داند. امام خمینی در کتاب‌البیع می‌فرماید: در اختصاص جهاد غیردفاعی به امام (ع) جای بحث و تأمل است و وجه تأمل را بیان نفرموده است.

با توجه به اینکه نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب همه اموری باشد که در اطراف او و جامعه‌اش اتفاق می‌افتد و نسبت به این امور هیچ وقت بی توجه نباشد و همچنین توجه به این آموزه‌های قرآن کریم که همیشه بر ضرورت ظلم زدائی و ظلم ستیزی از جامعه بشری تاکید داشته و برای ظلم هیچ گونه جائی در نظام آفرینش قائل نشده، این وظیفه (ظلم زدائی) را مسئولیت اجتناب ناپذیر انسان دانسته و پذیرش ظلم و تن به ظلم دادن را محکوم کرده است و همیشه تاکید داشته که استکبار بزرگ‌ترین خطر در حیات سیاسی ملت‌ها بوده، که آبادی‌ها را خشک و ویران، و نسل انسان‌ها را تباہ می‌سازد، و با زیر پا گذاشتن حق، با زورگوئی، تمامی امکانات و نیروها و ارزش‌های بشری را در خدمت هواهای نفسانی و خواسته‌های شیطانی فرد و یا گروه خاصی قرار می‌دهد و عامل گمراهی و مانع رشد و آگاهی و سد راه حرکت‌های رهائی بخش مستضعفان می‌شوند، درصدد ابراز این نکته بوده است که از نظر قرآن و اسلام امنیت اطمینان بخش تا زمانیکه شرایط غیرعادلانه بر جهان حاکم بوده و توده‌های وسیعی از مردم جهان تحت سیطره قدرت‌های ظالم و سلطه جو باشند به نحوی که از حقوق اولیه خود و احراز آزادی، استقلال و حاکمیت بر سرنوشتشان محروم هستند، نمی‌تواند در جهان برقرار گردد، و استکبار در تمامی اشکالش منبع اصلی تشنجات و مناقشات جهانی است که همواره امنیت را به خطر انداخته است. فلذا بر همه مسلمانان جهان واجب و لازم است که در پیرو این رهنمون‌ها به مبارزه با ظلم و استکبار برخاسته و از مواضع آنها اعلان بیزاری بکنند و در همین راستاست که مردم ایران نیز تحت رهبری بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی به مبارزه با ظلم و قدرت‌های زورگوی دنیا پرداخته، و به حمایت از حقوق مظلومین جهان پرداخته است. در حال حاضر هم این اصل (ظلم ستیزی و اعلام حمایت از مظلومان و محرومان جهان) به عنوان یک عامل اساسی و جهت بخش در سیاست خارجی حکومت اسلامی، درآمده است که بر اساس آن، نهضت‌های آزادی بخش و ضداستعمار

و استبداد، در سطح جهانی مورد حمایت جدی سیاسی-اقتصادی دولت اسلامی قرار می‌گیرند. به عبارتی یکی از اصول اساسی مکتب توحیدی اسلام، حمایت از مظلومان و ستمدیدگان بدون توجه به نژاد، رنگ و دین است. و بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حق و عدل را از حقوق طبیعی همه مردمان جهان قلمداد می‌کند. در این حالت، نظام اسلامی با توجه به اصل عدم مداخله در امور دیگر ملتها، با استفاده از ابزار حقوق اسلامی و حقوق بین‌المللی به یاری آنان شتافته و آنان را مورد حمایت معنوی و مادی خود قرار می‌دهد. تمامی این موارد به عنوان دفاع از اسلام و حزب الله و تا بر چیده شدن بساط استعمار و بر پا شدن حکومت جهانی واحد اسلام ادامه دارد.

بنابراین دفاع مشروع مربوط به قلمرو سرزمینی یک کشور است و دفاع در جایی معنا پیدا می‌کند که تهاجمی نسبت به مرزهای جغرافیایی یک کشور واقع شده باشد. در واقع بر اساس مبانی فقه اسلامی و نیز اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور است و دفاع در خارج از مرزهای جغرافیایی همواره محل اختلاف نظر صاحب‌نظران بوده است. اما مشروعیت تردید ناپذیر جهاد در فقه اسلامی چاره‌ای باقی نمی‌گذارد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که نظامی اسلامی است بر پایه اندیشه ملهم از قانون جهاد پایه‌ریزی و شالوده‌پردازی شود. در این تحقیق، مشروعیت دفاع در خارج از مرز و دفاع برون مرزی از مسلمانان جهان از منظر فقهی (با تاکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای) با رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- جهاد

۲-۱- جهاد در لغت

جهاد بر وزن فعال از ریشه جهد (به فتح جیم) به معنای سختی و مشقت یا از ماده جهد (به ضم جیم) به معنای توان و طاقت است و از منظر شرعی به معنای به کار گرفتن توان جانی و مالی برای مبارزه با کفار و اعلاای دین و بر پا داشتن شعائر دینی می‌باشد (طریحی، مجمع البحرین، ۱، ۴۱۸؛ ابن فهد حلی، المهدب البارع، ۲، ۲۹۶، محقق ثانی، جامع المقاصد، ۳، ۳۶۵ و مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ۷، ۴۳۶).

۲-۲- جهاد در اصطلاح

در واقع جهاد به معنای بکارگیری تمام توان موجود، در جنگ است که با یک خصوصیت دارای بار معنوی مثبت می‌شود و آن قید "فی سبیل الله" است. در حقیقت جهاد، جنگی را گویند که "در راه خدا" باشد. صاحب مجمع البحرین می‌گوید: جهاد از نظر شرعی بذل مال و جان برای اعتلای اسلام و اقامه شعائر ایمانی است (طریحی، مجمع البحرین، همان، ج ۱، ص ۴۱۸).

راغب اصفهانی در «مفردات» خود جهاد را بر ۳ قسم می‌داند: یکی مجاهده با دشمن ظاهری، دیگری مجاهده با شیطان و در نهایت مجاهده با نفس اماره.

وجه اشتراک بین این ۳ قسم مبارزه با دشمنان خدا و دشمنان انسانیت است. اما شرایط خاص جهاد عبارتند از: ۱ - ایمان، ۲ - اخلاص.

اول: ایمان: جهاد در اسلام فقط برای مؤمنین است و کسانی که ایمان ندارند مشمول قاعده جهاد نیستند. در جریان جنگ بدر حبیب بن یساف که مرد شجاعی بود به همراه قیس بن محدث به سپاه رسول الله پیوستند در حالیکه هنوز اسلام نیاورده بودند. پیامبر وقتی آنها را دید پرسید: چه چیز باعث شد که شما هم به همراه ما از شهر خارج شوید؟ آن دو پاسخ دادند: تو پسر برادر ما و همسایه مایی و ما به همراه قوم خود برای بدست آوردن غنیمت خارج شده‌ایم. رسول الله (ص) فرمود: کسی که هم دین ما نیست به هیچ وجه نباید همراه ما - برای جنگ - بیاید. حبیب گفت: قوم من خوب می‌دانند که من در جنگ پرفایده و جنگجویم بنابراین همراه تو بخاطر غنیمت می‌جنگم و هرگز اسلام نخواهم آورد! پیامبر فرمود: نه، اسلام بیاور سپس بجنگ. او هم در منطقه‌ای بنام رحاء - مجدداً - نزد پیامبر آمد و اسلام آورد و بشارت به رسالت ایشان داد. (واقعی، المغازی، ج ۱: ۴۷)

دوم: اخلاص: جهاد در اسلام با هدف اعتلای کلمه الله انجام می‌شود و هیچ هدف دیگری توجیه‌گر آن نیست. به عبارت دیگر آنچه در اسلام به نام جهاد خوانده می‌شود "جهاد فی سبیل الله" است.

در حقیقت اسلام جنگی را که در راه خدا نباشد تأیید نکرده و کشته در آن را عاقبت به خیر نمی‌داند بلکه او جان خود را تلف کرده، مشمول نهی صریح قرآنی «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/ ۱۹۵) واقع شده است. به همین خاطر است که رسول گرامی (ص) جهاد را مخصوص مؤمنین می‌داند و قصد فی سبیل الله را در آن لازم می‌شمرد.

۳- بررسی مبانی فقهی دفاع و جهاد

جهاد در اسلام از موقعیت و اهمیت بالایی برخوردار است بگونه‌ای که جهاد از جانب خدا که نصیب هر کسی نمی‌شود به همین خاطر انتظار جهاد و فکر درباره آن نیز سازنده روح و جسم مسلمانان است. آنان خود را از نظر جسمی برای جهاد آماده می‌کنند و نیرومندی بدن خود را تأمین می‌نمایند و از جهت روحی هم خود را آماده می‌کنند و با تمرین فضیلت‌های اخلاقی مثل تواضع و احترام به دیگران و مهربانی و سایر فضایل تلاش می‌کنند تا زمینه توفیقات الهی نسبت به شرکت در جهاد را در خود فراهم آورند. در حقیقت جهاد و شهادت در راه خدا نه تنها برای مسلمانان سخت نیست بلکه شیرین است چرا که آنرا زمینه‌ساز کرامت و تکامل انسانی در جهان می‌دانند آیا کسی پیدا می‌شود که رشد دیگران را ببیند و لطف خود در حق آنان و تأثیر این لطف را هم مشاهده کند و ناراحت شود؟ این لطف هم برای دیگران مفید است و هم نشاط و شادابی را برای لطف کننده به ارمغان خواهد آورد. اما همه اینها موجب نمی‌شود که از اسلام به عنوان دین جنگ و ستیزه جو نام برد و می‌بایست به اصول اهداف جهاد و جایگاه اهمیت صلح در اسلام و قواعد و مقرراتی که بر جهاد حاکم است نیز اشاره کرد. بگونه‌ای که کرامت و حیات انسانی محترم شمرده می‌شود و از اهمیت بسزایی برخوردار است. و آن برچهار قسم می‌باشد:

اول: جهاد بر سبیل دعوت است؛ یعنی دعوت مشرکان و کافران که در بلدان خود قرار و آرام و با احدی از مسلمین به هیچ وجه کاری ندارند، متعرض ایشان شدن و بر بلاد ایشان تاختن و ایشان را به اسلام دعوت کردن و هرگاه تخلف ورزند ایشان را کشتن، مخصوص امام و نایب امام است.

دوم: جهاد در صورت هجوم اهل شرک و ضلالت است بر بلاد مسلمانان؛ به نوعی که خائف باشند اهل بلاد از غلبه و استیلاى اهل کفر بر بلدان، یا اگرچه قلیل باشد، اخذ مال ایشان و این نوع جهاد واجب است بر کافه مسلمانان که قادر باشند بر جهاد، از مردان و زنان و احرار و بندگان و اصحاب صحت و بیماران و ارباب بیش و کوران در جمیع اوقات و ازمان تا وقتی که کفایت کنند شرّ ایشان را جمعی از اهل ایمان، در این وقت ساقط می‌شود و جوبش از دیگران.

سوم: جهاد محارب و قطاع الطریق و دزدان است. این قسم جهاد را دفاع شمردن آشکارتر و این مجاهد را مدافع نام بردن سزاوارتر است.

چهارم: جهاد اهل بغی و عدوان و فساد و طغیان است. اهل بغی طغیان کننده و خروج کننده بر امام مفترض الطاعه است... و مقاتله باغیان هرگاه امر نماید امام زمان بر قاطبه مسلمانان واجب من باب کفایت است تا برگردند از راه گمراهی و عمی و رجوع نمایند به طاعت خلیفه خدا. (شاکرین، صلح و جنگ در اسلام: ۱۲).

۳-۱- مبانی فقهی دفاع

در فقه اسلام دو نوع جهاد ابتدایی و دفاع، وجود دارد که هر یک حدود و ضوابطی دارند. بحث مبانی فقهی جهاد ابتدایی روشن می‌کند که جهاد ابتدایی فقط برای پایان دادن به فتنه‌گری دشمنان اسلام علیه مسلمانان، جلوگیری از آزار و اذیت مسلمانان توسط مشرکان، دفع شر آنان از سر مسلمانان، نجات مظلومان و ستم‌دیدگانی که تحت سیطره ظالمان و ستم‌گران قرار دارند و بسط و گسترش حاکمیت اسلام به منظور هدایت توده‌های مستضعف و تحقق احکام اسلام است و بس و هرگز به معنای تحمیل عقیده و ایمان نیست. بدین ترتیب جهاد ابتدایی هرگز جهاد با افراد عادی مشرک به منظور وادار کردن آنان به مسلمانی نیست، بلکه جهاد با سران کفر و شرک است.

در واقع براساس آموزه‌های فقهی و دینی، دفاع در مقابل تجاوز و تهاجم دشمن از ظلم و ستم ظالمین و ستمگران، یک وظیفه همگانی می‌باشد و بر همه مسلمین واجب است که به هر وسیله ممکن به دفاع برخاسته و هر کس به اندازه توان و به قدر امکان، در این زمینه مسئول است. لذا از منظر فقه اسلامی که ریشه در قرآن و سیره و سنت رسول الله (ص) دارد، حفظ اعتلا و برتری مسلمانان در تقابل با کفار و غیرمسلمانان یک اصل و هدف اساسی به شمار می‌رود. بر اساس فقه اسلامی، بویژه فقه تشیع امامیه، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری ناروا به شمار می‌رود، بر همین اساس برتری کفار بر مسلمین چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح ممکن و پذیرفتنی نمی‌باشد. با توجه به این عقیده هرگونه مبادلات و مراوداتی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد به نحوی که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع و ناصحیح تلقی می‌شود.

فقه‌های اسلامی به اتفاق آرا دفاع از جان و ناموس مسلمین را وظیفه اساسی همه مسلمانان فرض کرده و از آن با عناوین مختلفی مانند دفاع از بلاد اسلام یا دار الایمان (الکافی فی الفقه، ج ۹، ۳۲)، بیضه اسلام (المبسوط، ۲: ۸)، حوزه اسلام (النهاییه، ص ۲۸۹)، و... یاد کرده‌اند. مصداق روشن و قطعی این عناوین سرزمین اسلامی است که انسان در آنجا زندگی می‌کند. «اگر از سوی بعضی کافران و جنگ طلبان بییم تجاوز به سرزمین مسلمانان برود، بر اهالی تمام اقلیمهاست که با دشمنان متجاوز نبرد کنند». (الکافی فی الفقه، ۹: ۳۱)

فقها با استفاده از آیات و روایات، احکام اقسام مختلف جهاد را استخراج کرده و به تفصیل بیان نموده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلان جهاد یا ابتدایی است و به منظور دعوت کافران به اسلام و برداشتن موانع رشد و گسترش اسلام انجام می‌گیرد، و یا دفاعی. اکثریت قاطع فقها دفاع از کیان اسلام و مسلمین، دفاع از سرزمین‌های اسلامی را قسمی از جهاد شمرده و آن را مشمول اطلاعات و عموماً ادله دانسته‌اند و از این پندار که «آیات و روایات همگی مربوط به جهاد ابتدایی است و احکام جهاد بر دفاع جاری نمی‌شود»، پاسخ داده‌اند. گرچه بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی از نظر فروع و احکام تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در بسیاری از احکام نیز با یکدیگر مشترکند. فقیهان وجود تفاوت‌ها را در پاره‌ای احکام، موجب خروج دفاع از دایره جهاد ندانسته‌اند.

شهید ثانی در بیان اقسام جهاد، پس از آنکه از جهاد ابتدایی سخن گفته، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی دانسته، هنگامی که دشمنان کافر بر مسلمانان هجوم آوردند و قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی یا به اسارت گرفتن مسلمانان یا گرفتن اموال و چپاول ثروت‌هایشان و یا تعرض به حریم و زن و فرزند آنان را داشته باشند، زمان جهاد دفاعی است. «و الثانی ان یدهم المسلمین عدو من الکفار یرید الاستیلاء علی بلادهم او اسرهم او اخذ ما لهم و ما اشبهه من الحریم و الذریه» (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۷۹)

شیخ جعفر کاشف الغطاء برای جهاد پنج قسم قائل است که یک قسم آن ابتدایی و چهار قسم نیز دفاعی است. گاه جهاد برای حفظ اساس اسلام در برابر هجوم کفار به سرزمین‌های مسلمین و شهرها و روستاهای مسلمان‌هاست «الجهاد لحفظ بیضة الاسلام اذا اراد و الکفار الهجوم علی اراضی المسلمین و بلدانهم و قراهم» و هدفش محو اسلام و حاکم کردن کفر و نشانه‌های آن است. گاه جهاد برای دفع متجاوزان به خون مسلمانان و نوامیس آنهاست. گاه جهاد برای دفاع از گروهی از مسلمان‌هاست که با گروهی از کافران درگیر شده و خوف استیلا کفار بر آنان می‌رود و بالأخره گاه جهاد به منظور بیرون راندن کافرانی است که بر سرزمین‌های مسلمین مسلط شده و نجات مسلمانان از دست متجاوزان است. «الجهاد لدفعهم عن بلدان المسلمین و قراهم و اراضیهم منها بعد التسلط علیها و اصلاح بیضة الاسلام بعد کسرها و اصلاحها بعد ثلمها و السعی فی نجاه المسلمین من ایدی الکفرة الملاحین» وی در ادامه با بیان تکلیف مسلمانان در راه آزادسازی سرزمین‌های اسلامی با بذل آبرو و مال و سلاح و تدبیر، این نوع از جهاد را برترین اقسام جهاد شمرده و بزرگ‌ترین وسیله نیل به قرب الهی و افضل از جهاد ابتدایی برای دعوت کفار به اسلام می‌خواند. «و هذا القسم افضل اقسام الجهاد و اعظم الوسائل الی رب العباد و افضل من الجهاد الردّ الکفار الی الاسلام کماکان فی ایام النبی علیه و آله افضل الصلوة و السلام» (کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن خفیات مبهمات شریعه الغراء، ۲۱۸).

اصرار فقها بر جهاد دانستن دفاع آن است که بگویند ارزشی که در مکتب اسلام برای جهاد در رکاب امام معصوم (ع) ترسیم شده، احکامی که بر جهاد و مجاهد در راه خدا مترتب گشته، منحصر به جهاد ابتدایی نبود، بلکه دفاع را هم در بر می‌گیرد. برای این منظور به اطلاق و عموم آیات و احادیث استناد کرده‌اند. معقول هم نیست آن همه فضائل که جهاد در راه خدا دارد، نصیب افرادی محدود شود که در زمان معین و محدودی در رکاب امام معصوم می‌جنگند و اکثریت مسلمانان مؤمن و با اخلاص که در عصر غیبت زندگی می‌کنند، از آن محروم باشند، آیا کسی که برای رضای خدا و دفاع از دین او و جامعه اسلامی و سرزمین‌های مسلمانان در برابر هجوم دشمن از جان و مال خود می‌گذرد، با کسی که در زمان حضور در رکاب امام (ع) با دشمن می‌جنگد، تفاوت دارد؟ بعید است که از نظر خداوند حکیم میان آنان تفاوتی باشد، چرا که هر دو در راه خدا جهاد کرده‌اند، بلکه شاید بتوان گفت قدر و منزلت کسی که در زمان غیبت امام جان و مال خود را در راه خدا

فدا می‌کند بیش از آن کسی است که در زمان حضور چنین می‌کند. چرا که به قول میرزای قمی «حضور امام و ظهور معجز و تأثیر نفس شریعت امام در مبادرت به امتثال و حصول یقین به حقیقت، مدخلیت تمام دارد در امتثال و فرمانبرداری که آن در زمان غیبت نیست پس اجر این عمل در زمان غیبت بیشتر خواهد بود و چنان که در اخبار وارد شده است در مدح ایمان به غیب» (قمی، جامع الشتات: ۳۷۱)

میرزای قمی دفاع را از ضروریات بشری می‌داند. وی در پاسخ به سؤالی که دفع طایفه منحوس روسیه شرعاً واجب و لازم است یا نه؟ می‌فرماید: «هرگاه منظور ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام یا اذیت به نفوس و اعراض مسلمانان و نهب و غارت اموال ایشان است، بلی واجب است لیکن الاقرب فالاقرب. و در هر طبقه از قرب هرگاه جمعیتی که هست به بعضی آنها کفایت در دفاع حاصل شود، بر هر یک از طوایف آنها واجب کفایی است، هرگاه جماعتی که نزدیک به آنها هستند، کفایت نمی‌کنند، بر آنهايي که نزدیک‌ترند به آنها واجب است امداد به عنوان وجوب کفایی، و اگر کفایت حاصل نشود الا به اجتماع جمیع بر همه واجب می‌شود که امداد کنند و متعین می‌شود.» (قمی، جامع الشتات: ۳۷۴)

میرزای قمی دفاع را به دو دسته دفاع عمومی و دفاع خصوصی تقسیم می‌نماید. دفاع عمومی زمانی است که کفار [دشمن] به کشور اسلامی به قصد از میان بردن دین اسلام یا تغییر احکام آن و قتل و نهب و غارت حمله می‌کنند و دفاع در صورت نیاز بر همه اعم از زن و مرد واجب است و «وجوب مدافعه بر عبد و مرأه (بنده و زن) هرگاه به آنها به هم رسد (همان: ۳۸۱) دفاع خصوصی، دفاع از جان و عرض و مال در مقابل دزد و قطاع الطریق و غیره است که بر همه واجب است از مال و ناموس و جان دفاع کند. ایشان دفاع را بر حج واجب نیز مقدم داشته و می‌فرماید: «اگر در صورت خوف هجوم و غلبه مشرکین بر بلاد مسلمین و لزوم مدافعه و مجاهده با آنها، رفتن به حج و یا زیارت عتبات عالیات، در اینجا در صورت تعیین وجوب دفاع بر مستطیع حج، دفاع را باید مقدّم داشت بر حج» (همان: ۳۹۴)

براساس فقه اسلامی دفاع سازمان یافته مشتمل بر انواع مختلفی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. از دولت خود در برابر تهاجم بیگانه

۲. برای حمایت از جان و مال اتباع

۳. دفاع از دولت دیگر؛ این نوع از دفاع سازمان یافته خود مشتمل بر چهار مورد می‌باشد: ۱) دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت غیرمسلمان. ۲) دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت مسلمان (ثالث). ۳) دولت کافر دیگر در برابر تهاجم دولت اسلامی. ۴) دولت کافر دیگر در برابر تهاجم کافر دیگر. (برجی، ۱۳۸۴: ۳۴)

۳-۲- قواعد فقهی دفاع

۳-۲-۱- قاعده نفی سبیل:

اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) قاعده فقهی‌ای را به عنوان قاعده نفی سبیل تأسیس کرده‌اند.

قاعده نفی سبیل از اصول مهمی است که نفی ولایت و سلطه کفار بر مسلمانان را اثبات می‌کند. بنابراین در ارتباط با بیگانگان اصول و شرایطی می‌بایست مدنظر قرار گیرد و ارتباط و مودت با بیگانگان دارای شرایط حدود و استثنایی

می‌باشد. دوستی با کفار نباید به اطلاع آنها بر اسرار مسلمانان یا دوستی یک جانبه ختم شود. «ولایت و سلطه کفار بر مسلمانان یکی از استثناهای ارتباط و مودت با بیگانگان است که از آن به اصل نفی سبیل تعبیر می‌شود. این قاعده، استقلال، آزادی و خودکفایی را برای جامعه اسلامی تضمین می‌نماید. خداوند براساس این اصل، در قوانین و شریعت اسلام، هیچ گونه راه نفوذ و تسلطی را برای کفار نسبت به مسلمانان باقی نمی‌گذارد.» (حقیقت، ۱۳۷۶: ۱۸۶) بنابراین نفی سبیل به معنای بستن راه سلطه است. با توجه به عزت و سیادت که خداوند برای مسلمانان قرار داده است، هرگونه سلطه غیرمسلمان بر مسلمان منع شده است. بنابراین برقراری هرگونه رابطه و انجام اعمالی که منجر به سلطه کافران بر مسلمانان شود، حرام است (قبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

قاعده نفی سبیل، یکی از قواعد فقهی است که در ابواب مختلف، اعم از عبادات و معاملات، مستند حکم قرار گرفته و احکامی از آن به دست آمده است که در رابطه میان مسلمانان در جامعه اسلامی؛ از یک سو و اقلیت‌های دینی از سوی دیگر و نیز در ارتباط جوامع اسلامی با ملت‌های دیگر که بیرون از سیطره دولت اسلامی بسر می‌برند، تأثیرگذار می‌باشد. در ارتباط میان امت اسلامی و ملل غیر مسلمان قاعده یاد شده ایجاب می‌کند همواره مسلمانان دست بالا را داشته باشند به هیچ وجه تعهد یا داوری و به طور کل تعاملی را نپذیرند که موجب تسلط غیر مسلمانان بر ایشان یا منجر به تساوی آنان با کافران گردد.

آیه «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (نساء، ۱۴۱) (و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است) مستند فقیهان در قاعده نفی سبیل است.

البته این در مقام تشریح است؛ یعنی مسلمانان نباید رویکردی را دنبال کنند که نتیجه‌اش تسلط کفار بر آنان باشد، اما این که در عمل چه رخ خواهد داد، باید گفت آنچه تضمین شده است، پیروزی همیشگی منطق خداجویان است، اما ممکن است در دنیای مادی، کافران برتری‌هایی نیز نسبت به مسلمانان به دست آورند.

در همین راستا در روایتی، «سبیل» در این آیه شریفه به معنای حجت و منطق دانسته شده است؛ امام رضا (ع) می‌فرماید: «مقصود از این فرموده خدا "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" این است که خدا از برای کافر بر مؤمن حجتی قرار نداده است؛ یعنی کافر نمی‌تواند مؤمن را در منطق ایمانی او مغلوب کند و او را دلیلی نباشد که به سبب آن ظفر یابد، اما با این وجود حق تعالی از کفاری خبر داده است که پیامبران را به ناحق کشتند و چنین قتلی ناقض نفی سبیل نیست؛ زیرا قاتلان نتوانستند از لحاظ منطقی بر آنان چیره شوند» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ۲، ۲۰۴).

البته این معنا منافاتی با آنچه در فقه از آن بحث می‌شود ندارد؛ زیرا حجت و دلیل هم یکی از مصادیق «سبیل» است و همان‌طور که در روایت به آن اشاره شده است، کافر نمی‌تواند مسلمان و مؤمن را در دلیل و استدلال ایمان مغلوب کند و بر او پیروز شود.

براساس این قاعده، راه هر نوع نفوذ و تسلط کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی نپذیرفتن تحت الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را نیز در بر می‌گیرد. امام خمینی (ره) معتقد است: اگر این ترس پیش آید که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر سرزمین‌های مسلمانان استیلا یابند و این استیلا منجر به آن شود که مسلمانان اسیر سیاسی و یا اقتصادی کفار شوند و

اسلام و مسلمانان خوار و ضعیف گردند، دفاع واجب است؛ دفاع با وسایلی که شبیه به وسایل کفار باشد و همچنین دفاع با مقاومت منفی از قبیل نخریدن کالای دشمن و ترک استفاده از آن و ترک معامله و ترک ارتباط با آنان به طور مطلق (تحریر الوسیله، ۱: ۴۸۵).

بنابراین، کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند. خداوند هرگز (نه در گذشته و نه در آینده) برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است. (نساء/ ۱۴۱) منظور این آیه بسته شدن راه تسلط تشریحی و تقنینی کفار نسبت به مسلمانان است؛ یعنی قوانین فقه و حقوق بین‌الملل اسلامی هیچ‌گونه راه تسلط کفار و غیر مسلمان بر سرنوشت و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مسلمانان را شرعاً و عقلاً مجاز و روا نمی‌شمارد.

با توجه به اینکه در فقه اسلامی دفاع مشتمل بر انواع و شرایط مختلفی اعم از جان، ما و ناموس و ... می‌باشد، مهم‌ترین وجه دفاع که در این رساله نیز مورد نظر می‌باشد، دفاع از جان مسلمین و دولت اسلامی می‌باشد، که از آن تحت عنوان جهاد دفاعی نام می‌برند و آن در جایی است که مسلمانان مورد هجوم واقع شوند. لذا در چنین شرایطی عقل و دین حکم می‌کند که در این جا مسلمانان حق دارند برای دفاع از خود بپا خیزند و برای حفظ موجودیت خود مبارزه کنند.

ابوالصلاح حلبی از فقهای اهل سنت در اهمیت دفاع از جان مسلمانان و حکومت اسلامی می‌نویسد: «بر مسلمانانی که از منطقه جنگ بدورند، واجب است در صورتی که مسلمانان در حال نبرد با متجاوزان، به یاری آنان نیازمند باشند، به منطقه جنگی کوچ نمایند و با متجاوزان نبرد کنند. (الکافی فی الفقه، ۹: ۳۱)

ابوعمر یوسف بن عبدالله نمری مالکی نیز معتقد است: «اگر مسلمانان یک کشور از مقابله با دشمن عاجز باشند، بر مسلمانان کشورهای مجاور لازم است که برای دفاع از کشور همسایه خود خارج شوند» (الکافی فی فقه اهل المدینه، ۱۲: ۲۲۳).

فقهای تشیع نیز همانند شهید اول، شهید ثانی، نجفی صاحب جواهر الکلام و ... نیز بر دیدگاه‌های فوق را مورد تایید قرار داده‌اند. بنابراین در براساس آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلامی تا آنجا که امکان دارد از جنگ پرهیز می‌شود. ولی آنجا که موجودیت امتی به خطر می‌افتد، یا اهداف والای مقدسش در معرض سقوط قرار می‌گیرد، در اینجا جنگ یک ارزش می‌شود و عنوان «جهاد فی سبیل الله» به خود می‌گیرد.

بنابراین جهاد اسلامی هرگز برای تحمیل عقیده نیست، و اصولاً عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد. جهاد در واقع مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می‌کند، یا آزادی‌های خداداد را از او می‌گیرد، یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند، و یا ظالمی گلوی مظلومی را می‌فشارد که بر مسلمانان واجب است به یاری مظلوم بشتابند، هر چند منجر به درگیری با قوم ظالم شود.

براساس قاعده نفی سبیل، خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راهی را برای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذاشته است. مبنای این اصل آیات ۴۱، ۴۳ و ۴۴ سوره نساء و حدیث معتبر اعتلا است.

در فقه بحث مفصلی است که زنان و بچه‌ها کفار را نمی‌شود کشت. اما در این جا دو سوال مطرح است که عبارتند از: اگر کفار زنان و بچه‌ها را سپر قرار دادند حکم چیست؛ آیا قتل زن و بچه جایز است یا خیر؟؛ اگر کفار اسیران مسلمان اعم از زن و بچه را سپر قرار داند حکم چیست؟

صاحب جواهر این بحث را در چند جا مطرح کرده است. از جمله می‌نویسد: و لو تترسوا بالنساء و الصبیان منهم و نحوهم ممن لا يجوز قتله منهم کالمجانین کف عنهم مع امکان التوصل إليهم بغير ذلك للمقدمة، و إلا كما أشار إليه المصنف بقوله إلا فی حال التحام الحرب جاز و إن استلزم قتل الترس... و کذا لو تترسوا بالأسارى من المسلمین و إن قتل الأسیر إذا لم یمكن جهادهم إلا كذلك بل مقتضى إطلاق الخبر المزبور جوازه و إن لم یتوقف علیه، بل فی التحریر لو تترس الکفار بنسائهم و صبیانهم فإن کانت الحرب ملتحمه جاز قتالهم... (نجفی، جواهر الکلام؛ ۲۱: ۶۸ و ۶۹) اگر افرادی که سپر قرار داده شده‌اند مسلمان نباشد، مساله دو صورت دارد: اول اینکه اگر بدون کشتن زنان و بچه‌ها امکان تسلط وجود دارد؛ کشتن آنها جایز نیست. صورت دوم این است که راهی برای سلطه بر کفار وجود ندارد جز کشتن کسانی که دشمن آنها را سپر قرار داده است؛ در این صورت کشتن آنان جایز است. اما اگر دشمن مسلمانان را سپر قرار دهد و راهی برای پیروزی اسلام نیست مگر کشتن آنان، کشتن آنان جایز است. صاحب جواهر عبارت فقهاء را در این بحث بیان می‌کند مانند علامه در تحریر، تبصره و ارشاد و تذکره و شهید در دروس و لمعه و شرح لمعه؛ بنابراین اصل این مطلب یعنی کشتن انسانهایی که سپر قرار داده شده‌اند در صورت ضرورت امری جایز است. «بجوز قتل ترس» صاحب جواهر بحث ترس در باب قتال با بغات نیز مطرح می‌کند و می‌نویسد: و لو تترسوا بالأطفال و نحوهم ممن هو غیر مقاتل و لم یمكن التوصل إليهم إلا بقتلهم قتلوا كما سمعته فی المشرکین... (همان؛ ۲۱: ۳۴۲-۳۴۳)

مستند کشتن ترس روایات است که یکی از آنها روایت حفص است.

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الْحَرْبِ هَلْ يُجُوزُ أَنْ يُرْسَلَ عَلَيْهَا الْمَاءُ أَوْ تُحْرَقَ بِالنَّارِ أَوْ تُرْمَى بِالْمَنْجَنِيْقِ حَتَّى يُقْتَلُوا وَمِنْهُمْ النِّسَاءُ وَ الصِّبْيَانُ وَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْأَسَارَى مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ التُّجَّارِ فَقَالَ يُفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ وَ لَا يُمَسَّكَ عَنْهُمْ لِهَوْلَاءِ وَ لَا دِيَّةٌ عَلَيْهِمْ لِلْمُسْلِمِينَ وَ لَا كَفَّارَةُ الْحَدِيثِ (حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ۱۵؛ ص ۶۲). روایت حفص در کشتن ترس صراحت دارد. امکان الغاء خصوصیت از این روایت کاملاً امکان دارد البته در صورتی که راهی جز کشتن اینها وجود ندارد. به عبارت دیگر دو راه پیش روی ما است. اول اینکه دلسوزی کنیم لذا برای نجات این افراد ترس عقب نشینی کنیم و دشمن مسلط شود؛ یا اینکه ترس را بکشیم که قطعاً شهید محسوب می‌شوند. الغاء خصوصیت چنین است که اگر قتل ترس جایز چون راهی جز این نیست، عملیات استشهادی نیز جایز است چون راهی دیگری غیر از عملیات استشهادی نیست.

بنابراین بر اساس اعدۀ ترس اگر دشمنی مهاجم که برای جامعه اسلامی خطر دارد، می‌خواهد حمله کند و آثار حمله‌اش هم پیش‌بینی می‌شود که [اگر] بیاید چه آثار سوئی دارد، برای اینکه مانع دفاع و حمله ما بشود به عده‌ای از مسلمان‌هایی که در دست او اسیرند- که بدون شک بی‌گناه هستند- تترس (تترس از ماده «ترس» است و ترس یعنی سپر) کرده باشد (همین کاری که در قدیم هم معمول بوده) یعنی آنها را سپر قرار داده باشد و در پیشاپیش خودش حرکت بدهد که اگر دشمن بخواهد تیراندازی کند یا شمشیر بزند، مجبور است اول مسلمان‌ها را بکشد تا بعد به آنها دست پیدا کند، اینجا مسلمانان در محظور قرار می‌گیرند: یا باید به خاطر این مسلمان‌هایی که سپر قرار گرفته‌اند دست از دفاع بکشند و به دشمن این امکان را بدهند که بیاید حمله کند و ده برابر این مسلمان‌ها را بکشد و صد برابر اینها صدمه به عالم اسلام وارد کند و

یا برای اینکه جلو دشمن را بگیرند و او را از بین ببرند، حمله کنند و مقدمتاً همان مسلمان‌های بی‌گناهی را که سپر قرار گرفته‌اند بکشند تا بتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند. اینجا تکلیف چیست؟ گفته‌اند اگر خطری که از دشمن پیش‌بینی می‌شود مهم‌تر و عظیم‌تر است از ضرر کشتن این مسلمان‌ها، باید این مسلمان‌ها را کشت و آنها شهید در راه خدا هستند، جزو مجاهدین در راه خدا شمرده می‌شوند و شهیدی هستند که به عمد به دست خود مسلمان‌ها کشته شده‌اند. اینجاست که دو حرمت با یکدیگر تراحم پیدا می‌کنند: حرمت کوچک‌تر و حرمت بزرگ‌تر، و حرمت کوچک‌تر فدای حرمت بزرگ‌تر می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۱: ۲۹۰-۲۹۱)

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: «و لو تترسوا بالنساء و الصبیان منهم و نحوهم ممن لا يجوز قتله منهم کالمجانین کف عنهم مع امکان التوصل إليهم بغير ذلك للمقدمه، و إلا جاز و إن استلزم قتل الترس، خصوصاً إذا خيف من الکف عنهم الغلبه... و کذا لو تترسوا بالأسارى من المسلمین و إن قتل الأسیر إذا لم یمكن جهادهم إلا کذلک» «اگر کفار در جنگ زنان و بچه‌های خود و کسانی که کشتن آنها جایز نیست همچون مجانین را سپر قرار دهند، اگر امکان دسترسی به کفار بدون کشتن این افراد باشد، باید از کشتن افرادی که سپر قرار داده شده‌اند، خودداری نمود در غیر این صورت کشتن آنها جایز است خصوصاً زمانی که رها کردن کفار موجب غلبه آنها بر مسلمان‌ها بشود... و همچنین است اگر اسیران مسلمان را سپر قرار بدهند، که در صورتی که امکان جهاد با آنها بدون قتل این افراد امکان پذیر نباشد، هدف قرار دادن آنها جایز است» (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ۲۱: ۶۸)

۳-۳- مبانی فقهی جهاد

بر اساس فقه اسلامی، جهاد در راه خدا از اصول انکارناپذیر اسلامی می‌باشد (نجفی، ۱۳۹۰: ۲۵۶) همچنین جهاد در راه خدا تکلیف و عبادت بلکه از بالاترین و با ارزش‌ترین دستورات الهی است. از این رو همانند دیگر عبادات شرایطی دارد که باید در آن رعایت شود، از جمله:

قصد قربت، اخلاص، پرهیز از هوا و هوس، عجب، فخر فروشی، منت‌گذاری بر دیگران و نیز باید از هر گونه انگیزه‌های نفسانی مانند غضب، انتقام جوئی، دست یابی به موقعیت‌های اجتماعی و تحصیل اموال دنیا به دور باشد و جنگجو این عمل را به عنوان یک عمل مقدس انجام دهد. این نگاه به جنگ و جهاد موجب می‌شود نه تنها رزمندگان بسیاری از قواعد و اصولی را که تحت عنوان حقوق بشر دوستانه در مخاصمات از سوی مؤسسات خیریه همانند صلیب سرخ بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته رعایت کند بلکه فراتر از آن را که به ذهن و فکر بشر عادی خطور نمی‌کند نیز رعایت خواهد کرد؛ مثل اینکه در نبرد با دشمن قصد و نیت او انتقام جوئی نباشد بلکه تحصیل رضایت خدا و بر کرسی نشان دادن حق و عدالت باشد.

در واقع در فرهنگ دینی ما جهاد و دفاع مقدس مورد توجه جدی واقع شده است، در این زمینه به برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنیم. لذا قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید، و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد» (بقره: ۱۹۰) و در جای دیگر چنین می‌گوید: «وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» «و خدا مجاهدان را بر قاعدان (ترک کنندگان جهاد) با پاداش عظیمی برتری بخشیده است» (نسا / ۹۵)

در ضمن حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمود: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ الْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ وَ فَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعَزُّ أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَ مَرَآئِزِ رِمَاحِهَا» «هر کس جهاد را ترک کند خدا بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر بر زندگی او و تاریکی بر دینش سایه می‌افکند، خداوند پیروان مرا به وسیله سم ستورانی که به میدان جهاد پیش می‌روند و به وسیله پیکان نیزه‌ها، عزت می‌دهد» (مجلسی، همان، ۹۷: ۸) و در حدیثی دیگر فرمود: «اغزوا تورثوا ابناءکم مجدداً» «به میدان نبرد بروید تا مجد و عظمت برای فرزندانان به میراث بگذارید» (کافی، ۵: ۸)

سه نکته مهم در جنگ از دیدگاه اسلام

۱- جنگ باید برای خدا انجام شود و «فی سبیل الله» باشد.

هدف اصلی از جنگ در اسلام انتقام گرفتن، جاه طلبی و ریاست، کشورگشایی، به دست آوردن غنیمت و تصرف و اشغال سرزمین دیگران نیست، این قبیل هدف‌ها برای جنگ کردن از نظر اسلام محکوم است، به جهاد و دفاع پرداختن تنها وقتی صحیح و مقدس است که در راه خدا و عدالت و توحید و ریشه‌کن نمودن ظلم و ستم و انحراف باشد.

۲- جنگ باید با نظامیان و افراد مسلح باشد، با آنان که به مبارزه با حق پرداخته‌اند و با ارزش‌های اصیل اسلامی پیکاری مسلحانه دارند.

۳- در جنگ از حد اعتدال تجاوز نشود و حقوق غیر نظامیان و اسیران جنگی رعایت گردد، حتی آنان که اسلحه را بر زمین نهاده‌اند و یا توانایی نبرد را از دست داده‌اند. در یک سخن کوتاه با هر کس و با هر وسیله و ابزار و هر شکل و شیوه‌ای نباید جنگید.

در واقع از جمله مسائل مهم در جهان اسلام، و وضعیت جهاد و یا همان وضعیت جنگ و صلح و شرایط و انواع آن می‌باشد، که علاوه بر آنکه دارای ابهامات و پیچیدگی‌های خاص خودش است، دارای قداست خاصی نیز می‌باشد. به گونه‌ای که شیعه و سنی بر روی آن اتفاق نظر داشته و یکی از ارکان مهم دین اسلام به شمار می‌رود. بنابراین فقه کلاسیک اسلامی، اعم از اهل سنت و شیعه، جهاد را بردو نوع ابتدائی و دفاعی تقسیم می‌کند. در دیدگاه کلاسیک اصل بر جهاد است و منظور از جهاد هم جهاد ابتدایی است که حداقل به صورت واجب کفایی بر هر مسلمانی واجب است. این دیدگاه بویژه در اهل سنت آیات جهاد را «ناسخ» آیات صلح در قرآن می‌داند. و بنا براین، جهاد را از وظایف دینی تعلیق ناپذیر مسلمانان تا روز قیامت و پایان تاریخ تلقی می‌کند. ابوبکر محمد بن ابی السهل السرخسی (مرگ ۴۸۲ق)، از فقیهان مکتب حنفی اهل سنت، آیات قرآن را به گونه‌ای چیده است که گویی احکام رابطه مسلمانان با غیر مسلمانان، از اعراض و ترک رابطه تا دعوت به اسلام از راه موعظه، تا جنگ دفاعی در صورت تهاجم دشمن، و سر انجام تا تهاجم ابتدایی به غیر مسلمانان، تحول یافته و در این آخری به عنوان حکم نهایی تثبیت شده است. وی می‌نویسد: «رسول الله ابتدا مأمور به اعراض از مشرکان بود، سپس دستور یافت که آنان را با موعظه و جدال احسن به دین فرا خواند. سپس مأمور شد که در صورت هجوم ابتدایی (آنان) اقدام به جنگ کند و سر انجام مأمور به جنگ ابتدایی گردید. بدین سان، امر بر فریضه جهاد با مشرکین تثبیت و مستقر گردید و آن واجبی است که تا قیامت قیامت استوار خواهد بود؛ و هو فرض قائم الی قیام الساعة». امام محمد شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق)، رهبر مذهب شافعی [یکی از مذاهب فقهی چهار گانه اهل سنت] عقیده دارد که آیات ناظر به صلح و نهی از جنگ تا شروع تهاجم دشمن، و نیز منع جنگ در ماه‌های حرام شرعی، همه با نزول آیه «وقاتلوهم حتی لا تکنون

فتنه» (بقره/۱۹۳) منسوخ شده است. ابو محمد المقدسی (۵۴۰-۶۲۰ق)، از بزرگان فقه حنبلی نیز همانند شافعی بر نظریه جهاد ابتدایی، حد اقل سالی یک بار تأکید دارد. ابو عمر یوسف بن عبد الله القرطبی (۴۶۳ق) از رهبران مذهب مالکی نیز البته چنین مسیر فقهاتی در باب جهاد ابتدایی را طی کرده است. ابو البرکات مالکی در شرح کبیر، جهاد را حتی با وجود والی و امیر جائز نیز واجب دانسته است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

اما در بسیاری از ادیان جهاد به هیچ وجه وجود ندارد و همه چیز بر محور توصیه‌ها، نصایح و اندرزها دور می‌زند، حتی بعضی هنگامی که می‌شنوند جهاد مسلحانه، یکی از ارکان برنامه‌های اسلامی است در تعجب فرو می‌روند که مگر دین می‌تواند، توأم با جنگ باشد؟ تاجایی که دنیای مسیحیت مسئله جهاد را برای اسلام نقطه ضعف می‌داند و می‌گوید که اسلام دین جنگ است نه دین صلح. اما با توجه به اینکه همیشه افراد زورمند و خودکامه و فرعون‌ها و نمرودها و قارون‌ها که اهداف انبیاء را مزاحم خویش می‌دیده‌اند، در برابر آن ایستاده و جز به محو دین و آیین خدا راضی نبوده‌اند روشن می‌شود که دینداران راستین، در عین تکیه بر عقل و منطق و اخلاق باید در مقابل این گردنکشان ظالم و ستمگر بایستند و راه خود را با مبارزه و در هم کوبیدن آنان به سوی جلو باز کنند. تجاوز بد است نه صلح و هر جنگی تجاوز نیست. «اساساً فلسفه جهاد در اسلام برقراری عدالت و تأمین مصالح واقعی و آزادی‌های مردم براساس ارزش‌های انسانی و دینی بوده است» (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۱۲) اصولاً جهاد یکی از نشانه‌های موجود زنده است و یک قانون عمومی در عالم حیات است، تمام موجودات زنده اعم از انسان و حیوان و گیاه، برای بقای خود، با عوامل نابودی خود در حال مبارزه‌اند.

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: جهاد دری از درهای بهشت است، لباس عزتی است که خداوند برتن خواص خود می‌پوشاند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱). این بیان و بیاناتی از این دست نشان می‌دهد که عمق تفکر جهادی در اندیشه‌های بزرگان اسلام مورد عنایت قرار گرفته است. از افتخارات مسلمانان، آمیختن دین با مسأله حکومت و داشتن دستور جهاد در برنامه‌های دینی است، منتها باید دید جهاد اسلامی چه اهدافی را تعقیب می‌کند؟ آنچه مسلمانان را از دیگران جدا می‌سازد جواب به همین سوال است. لکن اهداف جهاد از دیدگاه مفسران تفکر جهادی مرتباً دستخوش دگرگونی شده است. جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است.

۳-۱-۳- جهاد ابتدایی

اندیشه جهاد ابتدایی در آثار حنفی نیز با همان سیاق دیگر مکاتب فقهی و کلاسیک اهل سنت تأکید شده است. نویسنده «تبیین الحقایق» می‌نویسد: «برما واجب است که به جنگ علیه آنان [مشرکین] شروع کنیم، هرچند که آنان اقدام و شروع به تهاجم علیه ما نداشته باشند. زیرا خداوند قتال مشرکین را واجب دانسته و هرگز جور جائز و عدل عادل قادر به ابطال این واجب نمی‌باشد تا اینکه مردمان لا اله الا الله گویند». همو در تبیین وجوب کفایی جهاد، به «اجماع امت» نیز به عنوان یک دلیل فقهی اشاره و استناد می‌کند. فقه کلاسیک شیعه، از لحاظ روش شناسی و شیوه استدلال، همسان اهل سنت بوده و چنانکه از آیت الله بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ق) نقل شده است، چونان حاشیه‌ای انتقادی بر فقه سنی می‌باشد. با این تفاوت که از حیث اصول اعتقادی بر مبنای امامت امام معصوم استوار است. این تفاوت کلامی موجب شده است که دستگاه فقه شیعه «اخبار امامان معصوم شیعه» را چونان منبع مفسر قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) تلقی کنند. در نتیجه، بخصوص در باب ماهیت جهاد، اندیشه شیعه تفاوتی تعیین کننده با فکر سنی پیدا کرده است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

بنابر مطالب فوق جهاد ابتدایی یا به تعبیری دیگر جهاد آزادیبخش، جهادی است برای تکامل سعادت بشری. یعنی اینکه خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسان‌ها طرح کرده است و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند. حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمان‌ها را مزاحم منافع پست خود ببینند و سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند، آنها حق دارند نخست از طریق مسالمت آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به زور این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند.

به عبارت دیگر؛ مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند و در قبول دعوت آنها آزاد باشند. حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند. از اینجا ضرورت جهاد ابتدایی در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد. تدابیر اسلام برای جهاد تا آنجاست که پیامبر اسلام، برای مجاهدان جهادگر و تشویق و تضمین پیروزی آنان از شیوه‌های بسیاری استفاده می‌کردند. از جمله: استقبال از رزمندگان و بدرقه آنان، برخورد جدی با کانون‌های شایعه‌سازی و ضدجنگ، نوید پیروزی و تشویق رزمندگان، طرح مسئله شهادت به عنوان کمال آرمانی انسان، بیان اهمیت جهاد در راه خدا، سهیم کردن زنان در تشویق مجاهدان (نصیری، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۳). تشکیلات القاعده جهاد را عامل مهمی در برانگیختن انگیزه مسلمانان عراق برای غلبه بر آمریکایی‌ها می‌داند.

۳-۳-۲- جهاد برای حمایت از مظلومان

شاخه دیگری از جهاد که در آیات دیگر قرآن به آن اشاره شده، جهاد برای حمایت از مظلومان است، «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۷ به این ترتیب، قرآن از مسلمانان می‌خواهد که هم در راه خدا و هم مستضعفان مظلوم، جهاد کنند و اصولاً این دو از هم جدا نیستند و با توجه به اینکه در آیه فوق قید و شرطی نیست، این مظلومان و مستضعفان در هر نقطه جهان باشند، باید از آنها دفاع کرده نزدیک و دور، داخل و خارج کشور تفاوت نمی‌کند.

به تعبیر دیگر حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام یک اصل است که باید مراعات شود، حتی اگر به جهاد منتهی گردد، اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می‌شود بی تفاوت باشند و این دستور یکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می‌دهد. اما این انتقاد را بر مسلمانان و اسلام به عنوان مردم و مذهبی جنگ طلب و خونریز وارد می‌سازد. متأسفانه تصویری که از جهاد نزد دشمنان اسلام وجود دارد نوعی جنگ و خشونت خونریزی بدون منطق و مبتنی بر کشورگشایی است که دین اسلام را دین خشونت و اصول آن را منافی با حقوق بشر و آزادی معرفی می‌کند. بنابراین القاعده با توسل به آیاتی که در ارتباط با جهاد و حمایت بدون قید شرط از مظلومان و جهاد علیه ظالمین است به توجیه اعمال و جنایات‌های خویش می‌پردازند. در حالیکه به بسیاری از اصول و قواعد دین اسلام که جنگ را محدود می‌سازد و صلح و رحمت را پیش می‌گذارد بی توجه هستند. اسلام وفای به عهد و

۱- «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده اند پیکار نمی‌کنید، همان افراد (ستم‌دیده ای) که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از سوی خود ولی قرار ده و برای ما از سوی خود یار و یاور می‌عین فرما»، سوره نساء، آیه ۷۵.

رعایت معاهدات و قراردادهای را معتن شمرد که تحت عنوان اصل وفای به عهد از آن یاد می‌شود. هم چنین اصل حرمت آغاز جنگ و اصل عدالت و رحمت در جنگ همراه با اصالت صلح در اسلام از اصول مهم اسلامی در ارتباط با صلح دوستی و عدم خشونت مسلمانان می‌باشد. «در واقع مراد از اصالت صلح قاعده‌ی صلح می‌باشد. اسلام منا را بر صلح و دوستی روابط مسالمت آمیز قرار داده و جنگ را در موارد معدود و استثنایی مجاز شمرده است» (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۴۱-۳۴۰).

۳-۳-۳- جهاد دفاعی

آیا صحیح است کسی به انسان حمله کند و او از خود دفاع ننماید؟ یا ملتی متجاوز و سلطه گر هجوم بر ملت دیگر ببرد و آنها دست روی دست گذارده نابودی کشور و ملت خویش را تماشا کنند؟ در اینجا تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده حق می‌دهد برای دفاع از خویشتن به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کاربرد و از هرگونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فروگذار نکند. این نوع جهاد را، جهاد دفاعی می‌نامند، جنگ‌هایی مانند جنگ احزاب، احد، موته، تبوک، حنین و بعضی دیگر از غزوات اسلامی جزو این بخش از جهاد بوده و جنبه دفاعی داشته است. از دید القاعده، مبارزه برای آزادی عراق از زیر سلطه استکبار با توجه به اینکه عراق را جزئی از جهان اسلام می‌داند، نوعی جهاد دفاعی است و پشتوانه تفکر سلفیسم (بازگشت به گذشته) در این مسیر، توجیه ایدئولوژیک پیدا می‌کند.

۴- بررسی دیدگاه‌های امام خمینی (ره):

مباحث مرتبط به جهاد در تحریر الوسیله، کشف الاسرار، و مباحث مرتبط به دفاع مقدس در استفتائات و در بیانات امام خمینی مطرح شده است. امام خمینی (س) همچون سایر فقهای امامیه، در کتاب کشف الاسرار - از اولین آثار ایشان - در تقسیم جهاد می‌نویسند: «در اسلام دو گونه جنگ است، یکی را جهاد می‌گویند و آن کشورگیری است، با شرط‌هایی که برای آن شده است و دیگری جنگ برای استقلال کشور و دفع اجانب از آن است» (خمینی، بی تا: ۲۲۹).

در کتاب تحریر الوسیله نیز، در خاتمه کتاب امر به معروف، تنها به ذکر فصلی در باب دفاع اکتفا کرده‌اند و متعرض احکام جهاد ابتدائی نشده‌اند. ایشان با توجه به گونه‌های تهاجم دشمن به چهار قسم جهاد دفاعی (دفاع سیاسی، دفاع اقتصادی، دفاع فرهنگی، دفاع نظامی) اشاره کرده‌اند و در همه فروض، دفاع را بر مسلمین لازم و واجب دانسته‌اند (همو، بی تا، ۱: ۴۸۵-۴۸۷).

۴-۱- ادله‌های امام خمینی در جهاد دفاعی

تأکید امام خمینی بر ماهیت دفاعی جنگ ایران به وفور مشاهده می‌شود. ایشان در بیانات متعدد در طول هشت سال جنگ ایران، پدیده تجاوز دشمن را «دفاع» نامیده‌اند و برای تصریح منظور خویش بارها اصطلاح «دفاع مقدس» یا «جنگ تحمیلی» را به کار برده‌اند. ایشان بر وجوب و لزوم دفاع مقدس، افزون بر فطری بودن آن، به حکم عقل، شرع و وجدان استناد کرده‌اند و آن را تکلیف شرعی، انسانی و ملی آحاد مردم دانسته‌اند. در ادامه به برخی از بیانات ایشان اشاره می‌شود: این که مسلمین از جان و مال و نوامیس خود دفاع کنند، این راه، هم خدا و هم عقل و هم شرع اجازه می‌دهد (صحیفه امام، ۱۶: ۴۹۰). شما می‌دانید که این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می‌کنیم؛ دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است (همان، ۱۳: ۲۵۵). دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است (همان، ۱۲: ۱۵۹). دفاع که یک مسئله عقلی است. یک مسئله‌ای است که حتی حیوانات هم

اصلاً وقتی بخواهند حمله کنند، دفاع می‌کنند. دفاع یک مسئله طبیعی است (همان، ۱۶: ۳۱۸). جنگ دفاعی از تکلیف‌های شرعی و وجدانی و انسانی همه است (همان، ۱۵: ۴۰۱).

همچنین در تحریر الوسیله نیز می‌نویسد: اگر دشمنی که از حمله او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس است، شهرهای مسلمین یا مرزهای آنان را مورد هجوم قرار دهد، دفاع از مرزها بر مسلمانان به هر وسیله‌ای که ممکن است؛ ولو با بذل مال و جان، واجب است (همان، بی تا، ج ۱: ۴۸۵).

۵- بررسی دیدگاه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله)

اندیشه دفاعی مقام رهبری، جهاد را مقدس می‌داند. لذا بهترین بندگان کسانی هستند که در این راه مجاهدت نمایند. همچنین معنویت رکن اساسی اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای بوده، چارچوب و ستون هر کاری از جمله حوزه مسایل نظامی است. در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای نیز، همچون حضرت امام (ره)، فقه اسلام یعنی «مقررات اداره زندگی مردم» (بیانات: ۱۴/۳/۱۳۸۲) و دامنه فقه الله و فقه الدین، هم فقه اکبر و هم فقه اصغر که اولی اصول و امهات دین و دومی به فروع تعبیر می‌شوند، شامل می‌شود (بیانات: ۱۵/۴/۱۳۸۳)

ایشان فلسفه و عرفان اسلامی را همان فقه اکبر بر می‌شمارند که «مبنای همه‌ی معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است» و بر لزوم گسترش و استحکام آن تاکید می‌ورزند. از اینرو، از جمله مشکلات اساسی در جامعه را، به ویژه نسبت با غرب، عدم امتداد سیاسی و اجتماعی فلسفه اسلامی می‌دانند که ضعف در صورتبندی مسائل در ابعاد مختلف حیات انسان مبتنی بر دستگاه فلسفی اسلامی و همچنین فقدان تعریف و تبیین دقیق از شأن مردم، حکومت، جامعه و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر و همچنین نوع سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از طریق این نردبان مستحکم، ذیل آن قرار می‌گیرند.

۵-۱- سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پایه‌ریزی نظام خود در سال ۱۳۵۷ به دنبال کسب اهداف عالی‌ای بوده است که عبارت‌اند از حاکمیت، استقلال، حفظ ارزش‌های مبتنی بر نهاد قانون اساسی، نهادها و سرزمین، حفظ جان و امنیت مردم، رفاه و آرامش ملت. دستیابی به این اهداف، نیازمند شرایطی در محیط بین‌المللی ج. ا. است: ۱. مناطق حساس دارای ثبات باشند، ۲. هنجارها و ارزش‌ها مورد تعرض قرار نگیرد، ۳. نقاط حیاتی امنیت اقتصادی فارغ از هر گونه تهدید و ناامنی باشد، ۴. پراکندگی تسلیحاتی، و دیگر سلاح‌های برهم زننده ثبات و امنیت ج. ا. قابل مهار باشد. ۵. روندهای بین‌المللی متعارض با منافع ج. ا. نباشند ۶. شرایط فعالیت نظام در محیط اولاً با اهداف هماهنگی داشته باشد، و ثانیاً تعرضی نسبت به آن وجود نداشته باشد (خبیری، ۱۳۸۲: ۲۵). این در شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای نظام بین‌الملل، هیچگاه از مشکل تعریف محیط امن فارغ نبوده و همواره دغدغه تأمین امنیت در هر دو بعد داخلی و خارجی را داشته است. بر این اساس مفروضه‌های استراتژی دفاعی ج. ا. موارد زیر را در بر می‌گیرد (طالبی، ۱۳۹۶: ۱۷۸): منافع ج. ا. مواجه با تهدیدات گوناگون است. - ج. ا. نیاز دارد تا اهداف استراتژیک و باثباتی را برای خود طراحی نماید. حفظ استقلال و تمامیت ارضی، ارزش‌های بنیادین و نهادینه شده، کسب اهداف اقتصادی، داشتن متحدینی با رابطه منطقی و متناسب با منافع و اهداف ملی، وجود شرایط باثبات در جهان، همگی از اهداف این استراتژی دفاعی می‌باشند. - تهدیدات ج. ا. چهره متحول دارد. به همین جهت ج. ا. نیازمند یک استراتژی چند وجهی برای پاسخگویی به تهدیدات نامتقارن دارد. این تهدیدات

طیف وسیعی از تهدیدات ارضی، تا سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم را در بر می‌گیرد. ج. ا.ا نیاز به اولویت‌بندی در تهدیدات و نوع پرداخت به آنان دارد. - ج. ا.ا می‌باید با تقسیم‌بندی تهدیدات، استراتژی دفاعی و امنیتی خود را بر مبنای تهدیداتی صورت دهد که از درجه اولویت و فوریت بالاتری قرار دارند. برای پرداختن به تهدیدات، ج. ا.ا نیازمند بالا بردن توان اطلاعاتی خود در هر دو حوزه جمع‌آوری و پردازش است، به گونه‌ای که مطابق با نوع تهدیدات باشد. - استراتژی چند وجهی ج. ا.ا باید برای پاسخگویی به چند تهدید همزمان طراحی شود. ج. ا.ا نیازمند است تا بر مبنای منافع و ضرورت‌های امنیتی خود، دست به اتحاد و ائتلاف بزند. - برای این منظور ایران نیازمند طراحی سیاست‌هایی برای ائتلاف با کشورهای است که می‌توانند اولویت‌های امنیتی این کشور را تأمین نمایند. این امر رابطه تنگاتنگ بخش دفاع با دیپلماسی را ضروری قلمداد می‌کند. ج. ا.ا برای جلب متحدین، نیازمند برداشتن گام‌هایی در جهت قدرتمند کردن خود در هر دو حوزه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. این امر شامل طیف وسیعی از اقدامات از کارآمدتر کردن نیرو تا بالا بردن توان تکنولوژیک را در بر می‌گیرد. ج. ا.ا باید به شدت از ورود به ترتیباتی که در اولویت امنیتی این کشور قرار ندارد پرهیز نماید. - ج. ا.ا به دلیل محیط متحول پیرامونی خود نیاز دارد تا در ترتیباتی شرکت نماید که تأمین منافع این کشور را در بر داشته باشد. این امر می‌تواند هم شکل روندها و هم شامل اتحادها و ائتلاف‌ها باشد. ورود به ترتیبات غیر ضروری می‌تواند تنها هزینه‌بر باشد. ج. ا.ا التّوأم التزام دارد، در ترتیباتی شرکت نماید که از درجه ثبات بالایی برخوردار باشد. ثبات این ترتیبات به علت وجودی آن و بازیگران شرکت کننده در آن بستگی دارد. ج. ا.ا نیاز دارد تا نوعی فرهنگ مشترک را در خصوص مسئله امنیت و دفاع ایجاد نماید. - دستیابی به یک اجماع عمومی در خصوص امنیت و منافع ملی - نگرش واحد در شناسایی تهدیدات دستیابی به سازوکارهای مشخص و وحدت نظری در خصوص اهداف، امنیت عمومی، امنیت ملی، و استراتژی‌های امنیت ملی. - ایجاد وحدت رویه در میان مراکز مسئول در حوزه مسایل امنیت و دفاع. - نقش مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی در این حوزه قابل اهمیت است (طالبی، ۱۳۹۶: ۱۷۹). با توجه به این مفروضه‌ها، حداقل چهار اقدام در خصوص سیاست دفاعی ج. ا.ا ضروری به نظر می‌رسد. این موارد عبارت‌اند از:

۱. تنظیم استراتژی. نقش استراتژی تنظیم اولویت‌هایی است که از میان وظایف بی‌شمار، اتخاذ آنان لازم به نظر می‌رسد. در حقیقت نوع اولویت‌ها و پاسخ‌های نظام به محیط خارجی خود در قالب استراتژی بیان می‌گردد.
۲. برنامه‌ریزی‌ها و بودجه‌بندی‌ها باید حالتی مشخص به خود بگیرد. تنها با اتخاذ یک استراتژی نمی‌توان به اهداف رسید، بلکه باید اولویت‌ها در بودجه و برنامه‌های دفاعی مشخص گردد.
۳. ضرورت تعدیل سازمان و مدیریت دفاعی. این تعدیل باید بر مبنای محیط امنیتی ج. ا.ا در هر زمان و با توجه به تهدیدات، چالش‌ها و فرصت‌ها شکل بگیرد.
۴. برنامه‌ریزی دفاعی باید به گونه‌ای صورت گیرد که تحولات جهانی را مد نظر خود قرار دهد. این امر بخصوص شامل روند جهانی شدن است. اگر ج. ا.ا بتواند از این روند به خوبی استفاده نماید، می‌تواند آن را به مثابه یک فرصت در نظر داشته باشد. در غیر این صورت جنبه تهدید به خود خواهد گرفت و هزینه‌بر است. نکته مهم آن که چگونگی دخالت ایران در این روند را استراتژی معین می‌کند و نمی‌تواند مبتنی بر تصمیمات مقطعی فردی باشد (مینایی، ۱۳۸۸: ۹۰).

۵-۲- راهبردهای دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران خارج از مرزها

راهبردهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزها مانند هر کشور دیگری مبتنی بر برداشت آن از منافع ملی و تهدیدات و فرصت‌های فراروی آن است. بدون تردید، اولویت‌دارترین منفعت ملی ایران که سیاست خارجی و امنیتی به طور خاص بدان معطوف است، حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی و پایه‌گذاری یک محیط امنیتی منطقه‌ای با ثبات در منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بوده است. جمهوری اسلامی به دلیل متفاوتی نظیر مجاورت با همسایگانی نامطمئن که عمدتاً برای حفظ امنیت خود متکی به قدرت‌های بزرگ بیگانه و فرمانطقه‌ای اند، با درک این واقعیت که ایران برای حفظ پیشبرد امنیت ملی خود نمی‌تواند بر جامعه بین‌المللی تکیه کند و به ناچار باید بر قابلیت‌های منطقه‌ای خود متکی باشد و همچنین با درک این واقعیت که اکثر تهدیدات فراروی امنیت ایران دارای ماهیت و زیربنای فرمانطقه‌ای اند، یعنی تهدیدات فراروی ایران تابعی از نقش و کارکرد قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا است، سیاست نیل به موازنه‌سازی و حداکثر بازدارندگی را اتخاذ کرده است. (حق پناه، بیدالله خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) برای دست یابی به اهداف فوق جمهوری اسلامی ایران طی سالیان گذشته همواره بر اصول «عزت، حکمت و مصلحت» به عنوان محورهای ثابت و کلیدی در سیاست خارجی خود تاکید کرده است. که مهم‌ترین نمود از اصول فوق را می‌توان در رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواضع تهران درباره مبارزه با افراط‌گرایی و گروه‌های تروریستی مانند داعش دانست. در شرایطی که موجی از تندروری‌ها منطقه را در بر گرفته بود، مصلحت بر این قرار گرفت که تهران برای حفظ عزت مسلمانان و تامین امنیت آنان هوشیارانه به اقدامی حکیمانه دست بزند. از این رو، پس از تامین امنیت در داخل مرزهای کشور، دوراندیشی و مصالح نظام و مردم اقتضا می‌کرد رویارویی با تروریسم افراط‌گرا بیرون از مرزهای کشور نیز در نظر گرفته شود تا مرزها و مردم کشورمان از گزند این گروه‌های تندرو در امان باشند. البته این امر پس از اعلام نیاز دولت‌های مرکزی در کشورهای عراق و سوریه و هماهنگی با آنها رخ داد تا بیشترین دستاوردها را داشته باشد. از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای در سالهای اخیر که موجبات سیاست خارجی تهاجمی عربستان در قبال ایران را رقم زده است ظهور داعش و مقابله نظامی ایران در کشورهای عراق و سوریه می‌باشد.

۶- نتیجه گیری

پر واضح است اگر مسلمانان با نیروی ایمان خود به دفاع از اسلام و ارزش‌های آن نپردازند خوی استکباری و توسعه‌طلبی و تبهکاری دشمنان همیشه در کمین است تا فرصتی ایجاد شود که مسلمانان تضعیف شوند تا راه برای آنها باز شده و نیات خود را برای از بین بردن پایگاه‌های اسلام و فساد و تباهی، عملی سازند پس یکی از دلایل دفاع از بین بردن مفساد و برجیده شدن آن از روی زمین است.

در اسلام تا آنجا که امکان دارد از جنگ پرهیز می‌شود. ولی آنجا که موجودیت امتی به خطر می‌افتد، یا اهداف والای مقدسش در معرض سقوط قرار می‌گیرد، در اینجا جنگ یک ارزش می‌شود و عنوان "جهاد فی سبیل الله" به خود می‌گیرد. بنا بر این جهاد اسلامی هرگز برای تحمیل عقیده نیست، و اصولاً عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد. جهاد در واقع مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می‌کند، یا آزادی‌های خداداد را از او می‌گیرد، یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند، و یا ظالمی گلوی مظلومی را می‌فشارد که بر مسلمانان واجب است به یاری مظلوم بشتابند، هر چند منجر به درگیری با قوم ظالم شود.

پس، می‌توان بدرستی نتیجه گرفت که جهاد اسلامی بسان جهاد دیگر پیامبران برای این نبود که دینی را به زور به مردم تحمیل کنند، بلکه چون قدرت‌ها و حکومت‌هایی که مصالح شخصی آنها در جلوگیری از آگاهی مردم بود اجازه تبلیغ دین

الهی را نمی‌دادند و مبلغان و مؤمنان را می‌کشتند و شکنجه می‌دادند، خدای تعالی امر فرمود که این موانع از سر راه مبلغان برداشته شود تا آیین الهی به صورت واقعی به مردم عرضه شود. بنابراین، جهاد برای رفع موانع و دفاع از حریم و آزادی شخصی و گروهی است نه برای تحمیل عقیده به دیگران.

در نگاه قرآن کریم، انسان‌ها برای رفع نیازهای خود که سراسر وجودشان را دربرگرفته زندگی اجتماعی و جوامع بشری را پدید آورده‌اند تا ضمن آن، منافع بیشتری جلب نمایند. در این بین، تضاد منافع و افزونخواهی عده‌ای، بروز جنگ را ناگزیر ساخته است. طوری که وقوع جنگ و مبارزه در میان بشر امری طبیعی و حتمی‌الوقوع شده است. خصوصاً کسانی که تسلیم افزون خواهی‌ها نمی‌شوند و یا در صدد طرد زیاده‌خواهان برآیند. در این راستا، خداوند دفاع در مقابل دشمن را حق طبیعی انسان‌ها و جوامع قرار داده است و ابزار دفاع و برخورداری از این حق را در وجود همه به ودیعه نهاده است. در سطح جهانی نیز، کشورها در شرایط گوناگون و به دلایل مختلف مانند افزون خواهی قدرت‌های سرکش، نیازمند دفاع هستند. جهانی که سلطه جویان از راه جنگ، در صدد گسترش دامنه نفوذ و سلطه خویش اند؛ عدالت خواهان نیز، برای حراست از جامعه و سرزمین خویش به دفاع روی آورده، و میدان کارزار را در برابر تجاوزگران رها نمی‌سازند. لذا دفاع در حقوق اسلامی و در فقه سیاسی اسلام نیز یک اصل مسلم می‌باشد. که تحت عنوان جهاد مطرح می‌شود و البته جهاد خود بر دویخش جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم بندی می‌شود. جهاد ابتدایی عبارت است از این که مسلمانان برای دعوت به اسلام به کشورهای کفر و الحاد می‌روند و آنها را به اسلام دعوت می‌کنند. هدف در این جهاد، برداشتن موانع گسترش اسلام و دعوت کفار به اسلام است. جهاد دفاعی عبارت است از اینکه کشور اسلامی مورد تهاجم قرار می‌گیرد و مسلمانان در برابر تهاجم دشمن، از اسلام و از خود دفاع می‌کنند. هدف در این جهاد حفظ کیان اسلام و حفظ مال، جان و عرض مسلمانان است.

البته باید توجه داشته باشیم که بررسی آیات قرآن و روایات اسلامی در مورد آداب دفاع این حقیقت را به وضوح ثابت می‌کند که اسلام مسائل اخلاقی و انسانی را حتی در خشونت‌بارترین صحنه‌های زندگی یعنی میدان جنگ و دفاع نادیده نگرفته و همه جا قهر را با لطف و خشونت را با رحمت، عجین ساخته و به یقین حکومت اسلامی باید این آداب را که اثر عمیقی در طرز قضاوت بیگانگان از اسلام دارد و می‌تواند وسیله‌ای برای جلب توجه آنان و بازنگری درباره‌ی اسلام شود به کار بندد.

یکی از ابعاد عرصه‌ی دفاعی کشورها، مباحث حقوقی مرتبط با آن است. حقوق دفاع عرصه‌های است که در آن نظریه‌ی دفاعی تبدیل به یک بنیان حقوقی می‌شود تا امکان ایجاد تفاهم و اجماع ملی از یک سو و چانه‌زنی بین‌المللی از سوی دیگر، فراهم آید. یکی از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت دفاعی کشورها، ظرفیت‌های حقوقی دفاع یا حقوق جنگ در آن کشورها است. حقوق دفاع مبنایی برای اعتبار و مشروعیت اقدامات دفاعی کشورها فراهم می‌کند، به گونه‌ای که هر اندازه این مبنای حقوقی دارای استحکام و انسجام بیشتری باشد، به همان اندازه، قدرت تفاهم ملی و چانه زنی بین‌المللی نظام دفاعی کشورها افزایش خواهد یافت. یکی از لوازم تحول در نظام‌های حقوقی، تحول و بازسازی مفاهیم و اصول پایه است.

آنچه به عنوان مهم‌ترین نتایج این تحقیق مستفاد می‌شود این است که از منظر فقه و حقوق اسلامی که ریشه در آیات و احادیث اسلامی دارد، مسلمانان باید آمادگی رزمی کامل، از نظر تجهیزات، نفرات و ... داشته باشند و از پیش آماده مقابله با

خیانت و حمله دشمن باشند. هدف از آمادگی نظامی، حفظ مکتب و وطن مسلمانان است، نه غارت و استعمار و امثال آن. دولت باید حداکثر توان خود را در تأمین بودجه برای دفاع از نظام اسلامی و ترساندن دشمنان خدا و خود تخصیص دهد. تمام مسلمانان باید آماده رویارویی با توطئه‌های دشمن باشند و دوره‌های رزمی را دیده باشند. همه جا گفتگو و مذاکره کارساز و کافی نیست، گاهی هم باید توان و قدرت به میدان آید. در هر زمان، پیشرفته‌ترین امکانات رزمی را برای دفاع آماده کنید و از هیچ چیز فروگذار نکنید، چه قدرت سیاسی و نظامی، چه امکانات تبلیغی و تدارکاتی. ایجاد رعب در دل دشمن به هر وسیله حتی با ظاهرسازی هم لازم است. برای ارعاب و ترساندن دشمنان، حتی آموزش نظامی برای زنان کارساز است. به امکانات امروز قانع نباشید و تجهیزات نظامی و دفاعی را تا مرز تهدید دشمنان گسترش دهید. وحدت و یکپارچگی هم نوعی قدرت است که باید فراهم شوند، چون با وجود تفرقه، نمی‌توان دشمن را ترساند. در اسلام، همه مسلمانان سربازند و بسیج مردمی ضروری است. اسب‌های جنگی آن روز و ابزار نظامی امروز، باید به حال آماده‌باش تغذیه و نگهداری شوند. هم آمادگی نیروها لازم است، هم تجهیزات. اسلام، باید نظام و حکومت داشته باشد، چون بدون آن، دشمنان هرآسی ندارند. باید بُنیه دفاعی مسلمانان در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، عقیدتی و ... چنان قوی باشد که دشمن از هر جهت بترسد و توطئه‌هایش خنثی شود. هم ارزش‌های الهی باید حفظ شود و هم حقوق انسانی. در اسلام، مکتب و کرامت انسانی مطرح است، نه اغراض شخصی، نژادی و قومی. همه دشمنان، شناخته‌شده نیستند. تنها برای دشمنان شناخته‌شده برنامه‌ریزی نکنید، بلکه پیشبینی لازم حتی برای دشمنان ناشناخته آینده هم داشته باشید. تأمین قدرت دفاعی، بودجه لازم دارد، موعظه و شعار کافی نیست. مردم باید در بودجه جنگ و تأمین جبهه، مشارکت کنند و این تنها مخصوص زمان جنگ نیست.

بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران در طول مدت حیات خود علیرغم تحریم‌ها و تهدیدهای نظام سلطه، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه صنایع دفاعی داشته است. این امر علاوه بر شکوفایی توانمندی‌های بومی، موجب بازدارندگی گسترده-ای برای کشور شده است. جمهوری اسلامی ایران باتوجه به تجربه‌های گرانبها در هشت سال دفاع مقدس تلاش خود را بر استقرار نظام دفاعی امنیتی مستقل قرار داده است. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل و درحال پیشرفت و صنعتی شدن، یکی از اهداف اصلی خود را ارتقای امنیت کشور باتوجه به مؤلفه فناوری در نظام بینالملل تعیین کرده است.

در بیان دیدگاه‌های فقهی امام خمینی و حضرت آیت الله خامنه‌ای در ابعاد جهاددفاعی نیز می‌توان گفت: به همان میزان که دفاع مقدس از فرهنگی جامع برخوردار است و پیام‌های گوناگون به نسل امروز منتقل می‌سازد و پشتوانه‌های نیرومند فکری، اعتقادی، فرهنگی، اخلاقی و نظامی به وجود می‌آورد، تفکرات و رهنمودهای حضرت امام خمینی درباره دفاع مقدس نیز دارای جامعیت موضوع و درس‌ها و پیام‌های ماندگار و تحول‌زا است. دفاع در اندیشه‌ی امام خمینی ماهیتی الهی و انسانی دارد. بدین جهت است که به تعبیر ایشان حضور توده مردم در صحنه جهاد و دفاع در جهت اطاعت خدا مطرح است.

نفس دفاع در اندیشه مقام رهبری که برگرفته از تعالیم ائمه علیه السلام است، مقدس بوده، همه افراد جامعه مکلف به دفاع از آرمان‌های ایمانی و ملی خویش هستند. هر عمل ایشان در راه حفظ دین و امت و مملکت عبادت و نبردشان از روی بصیرت به اذن خداوند، افضل اعمال است. در این اندیشه متعالی، مفهومی به نام جنگ شناخته شده نیست و آنچه مهم است دفاع از جان، مال و ناموس مسلمین در برابر دشمنان اسلام است. اندیشه دفاعی مقام رهبری، جهاد را مقدس

می‌داند. لذا بهترین بندگان کسانی هستند که در این راه مجاهدت نمایند. همچنین معنویت رکن اساسی اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای بوده، چارچوب و ستون هر کاری از جمله حوزه مسایل نظامی است.

برابر آنچه که از سخنان، عملکرد و واکنش‌های فرمانده محترم کل قوا مطرح شده، دفاع در برابر تعدی و تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی در زمره نخستین و مهم‌ترین اولویت به شمار می‌رود. همین اهمیت و توجه موجب می‌گردد تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری قرار بگیرد.

اهمیت و جایگاه این موضوع در اندیشه مقام رهبری به اندازه‌ای است که ایشان مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و آحاد ملت را از کوچک‌ترین تجاوز و تعدی به حریم جغرافیایی دیگران بازداشته است.

لذا از دیدگاه مقام عظمای رهبری متوسل شدن به قوه قهریه در برابر کشورهای دیگر اقدامی پسینی تلقی می‌گردد و تا زمانی که تجاوزی رخ نداده باشد، جنگ و یا دست بردن بر ابزار نظامی، جایگاهی در سیاست خارجی کشور اسلامی نخواهد داشت.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، محقق: موسوی، حسن بن احمد؛ ابن مسیح، ابوالحسن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۲.
۲. ابن براج، عبدالعزیز طرابلسی (۱۴۰۶ق)، المهذب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.
۳. ابو الصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین، چاپ اول.
۴. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۰.
۵. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۲ق)، استفتاءات، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۱ و ۳.
۶. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، ج ۱.
۷. ایوانز، گراهام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه: حمیرا مشیر زاده، تهران: نشر میزان.
۸. پلینو، جک. سی؛ آلتون، روی (۱۳۷۵) فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (ق ۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (مؤسسه آل البيت)، لإحياء التراث، چاپ اول، ج ۱ و ۲ و ۱۵ و ۱۶.
۱۰. حرّ عاملی، شیخ، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۱. حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶)، مسئله شناسی فقه سیاسی، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۲. خرازی، سیدمحسن (۱۳۹۶)، کتاب الجهاد، قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
۱۳. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.

۱۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۴) تحلیل انتقادی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۲، پاییز.
۱۵. افتخاری، اصغر، شبستانی، علی، (۱۳۹۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۶. بوزان، باری (۱۳۷۹)، «مردم، دولت ها و هراس»، ترجمه مطالعات راهبردی «، تهران، مطالعات راهبردی.
۱۷. بیلینس و اسمیت، جان و استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۱۸. حسن خانی، محمد، «بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام و مسیحیت»، دانش سیاسی، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۹. حسین خانی، نورالله (۱۳۹۲)، مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، صفحه: ۶۱، یاران شاهد، تهران - ایران.
۲۰. خبیری، کابک (۱۳۸۲)، راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راه کارها)، وبسایت بصیرت، منتشر شده در تاریخ ۹۳/۲/۲۹، قابل بازیابی در پیوند زیر: <http://basirat.ir/fa/news/۲۶۶۹۰۴>